

## حزب توده ایران از آزادی فعالیت بورژوازی ملی حمایت می کند

س: آیا دولت بر مشکلات اقتصادی فائق خواهد آمد؟ سیاست حزب توده ایران درباره کمک به نضج گرفتن بورژوازی ملی چیست؟

ج: رفقا! ما سیاستمان این نیست که به بورژوازی ملی کمک کنیم که نضج بگیرد. ما به هیچ وجه سیاستمان این نیست. سیاست ما این است که به قشر فعال بورژوازی ملی - آن چیزی که لنین به آن بورژوازی با فرهنگ می گوید، یعنی آن **بورژوازی** که در چارچوب معینی حاضر است با مجموعه خلق پیش برود - **امکان فعالیت داده شود**. خود لنین هم حتی در دوران انقلاب که این امکان بسیار محدود بود، چنین تصویری داشت. و سیاست **نپ** - سیاست اقتصادی نوین - را مطرح کرد که در مدت قابل توجهی هم ادامه داشت.

ما معتقدیم که این سیاست را باید دنبال کرد. یعنی طبقات انقلابی می توانند با بخشی از بورژوازی ملی ایران که به طور عمده وابسته به تولید و توزیع داخلی و علاقمند به تثبیت اقتصادی و نوسازی جامعه ایران است و در برابر این تغییرات بنیادی - یعنی مصادره املاک، مصادره ثروت خائنین، ملی کردن واحد های بزرگ و مواضع کلیدی اقتصادی - مقاومت جدی نخواهد کرد، یک دوران همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند.

این یکی از ویژگی های دوران های اولیه انقلاب دموکراتیک ملی است. ما باید به دوستان بگوییم که در آلمان دموکراتیک که مسلماً یک کشور سوسیالیستی است، شعار اولیه انقلاب به هیچ وجه شعار سوسیالیسم نبوده است. پس از آنکه ارتش سرخ، فاشیسم هیتلری را در هم شکست و در بخشی از آلمان ریشه های تسلط سیاسی و اقتصادی آن را بر انداخت و انقلابیون آلمان در نتیجه پیدایش شرایط جدید و قلع و قمع فاشیسم به قدرت رسیدند و در سال 1949 دولت آلمان دموکراتیک به وجود آمد، برنامه اقتصادی خود را ابتدا اصلاً به نام برنامه سوسیالیستی مطرح نکرد. برنامه عبارت بود از مصادره کلیه واحدهای صنعتی و کشاورزی و اموال عناصر وابسته به رژیم هیتلری. این شعاری بود که همه مردم با آن موافق بودند. اما عمل نشان داد که این شعار تقریباً تمام سرمایه داری را از متوسط به بالا قطع کرد.

کارخانه های کوچک تخصصی که چیزهای مخصوصی می ساختند و دولت هنوز از لحاظ اقتصادی آماده نبود که همه این ها را ملی کند، در دوران بازسازی مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین جریان توزیع کالا در داخل کشور در بخش مهمی در دست سرمایه داران کوچک باقی ماند. این اقدامات به تحکیم پایه های اقتصاد سوسیالیستی آلمان دموکراتیک کمک زیادی کرد. بیست سال هم این واحدها را نگاه داشتند، بعضی ها را حتی بیست و پنج سال هم نگاه داشتند.

مثلاً یک کارخانه تخصصی بود که شیشه معینی را برای لابراتوار می ساخت و در این رشته تخصص کامل داشت. هیچ کارخانه دیگری هم نمی توانست چنین تولیدی را تأمین کند. اگر آن را ملی می کردند، متخصصینی که در آنجا کار می کردند، دیگر حاضر نمی شدند کار کنند یا می گذاشتند و می رفتند. خوب، زحمت بیهوده چرا؟ گذاشتند این ها بسازند، دولت هم کنترلش را بر آن واحد برقرار کرد، قیمت ها را هم کنترل کرد که از حد معقول خاصی تجاوز نکند، این جور پدیده ها را گذاشتند باشد، دست آخر هم این نوع کارخانه ها را که با دولت همکاری کرده بودند از راه مصادره ملی نکردند، بلکه از طریق باز خرید ملی

کردند. خود آن سرمایه داران را هم به مدیریت آن کارخانه ها گماشتند، وقتی اینها حاضر می شدند کار کنند، چرا نمی بایست پذیرفته شوند؟

لنین هم این را پیش بینی می کند که اگر بخشی، قشری از سرمایه داری که او آن را سرمایه داری با فرهنگ می نامد، حاضر بشود با نیروهای انقلابی همکاری کند، باید به سود تحکیم انقلاب از کار او بهره گیری کرد. لنین حتی درباره ژنرال های ارتش این کار را کرد. ارتش سرخ را با یاری ژنرال ها و افسران ارتش تزاری تجدید سازمان داد. نظامیان متخصصی را که حاضر شدند با ارتش همکاری کنند، به کار گرفتند و کنار هر کدام هم یک کمیسر گذاشتند. نود در صد آنها خدمت کردند، ده در صد هم خیانت، که بعد گیرشان آوردند و اعدام شان کردند ولی از خدمت آن نود در صد برای تربیت فنی ارتش استفاده بسیار بردند.

از این جهت، این مسایل، مسایل اساسی انقلاب نیستند. مسایلی هستند که می توان راه حل منطقی برایشان پیدا کرد. برخورد ما با تمام این مسایل، بر اساس این تجربیات عظیم 62 ساله انقلاب سوسیالیستی است. 62 سال مبارزه و تجربه انقلاب سوسیالیستی با تمام مراحل سخت و دشوارش که برای ما هم در پیش رو هست.

اگر ما به این تجربیات توجه نکنیم و فکر کنیم خودمان، بدون توجه به این تجربیات، می توانیم برای تمام مسایل راه حل پیدا کنیم، یک کمی بلند پروازی است. ما افراد قدیمی حزب توده ایران با تجربه زندگی خودمان کوشش میکنیم از این بلند پروازی ها اجتناب ورزیم و تجربه عظیم انقلابی جهان را- نه تنها انقلاب اکتبر شوروی، بلکه بلکه تمام انقلاب های سوسیالیستی کشورهای دیگر سرمایه داری- تجربیات انقلاب های نوین، انقلاب های دوران اخیر و سال های اخیر در کوبا، آنگولا و.... و همچنین همه انقلاب های رهایی بخش ملی را مطالعه کنیم و در عمل خود به کار بندیم.